

دوباره کتاب «آلیس» نوشته یودیت هرمان

## روبه روی مرگ

حمید اسلامی



جان سپردن را برایش تحمل پذیر می کنند تا به نقطه پایان زندگی برسد. آلیس به دیدار آنها می رود و با بستگان نزدیک آنها که از یک زن یا یک زن و یک فرزند بیشتر نمی شوند، ماراتن نفس گیر مردی را می بیند که هر آن به خط پایان می رسد؛ خط پایانی که به احتمال برای آنکه در بستر افتاده خوشایند است و برای آنها که نگران در کنارش ایستاده یا نشسته اند، چیزی ندارد مگر بار اندوه؛ اندوهی که نمی توانند به زبان بیاورند و هنگامی که بیمار در نقطه ای از نفس کشیدن باز می ایستد و نقطه خط صاف و کشیده ای می شود روی مانیتور زندگی نما، تنها به یک جمله کوتاه بسته می کنند؛ تمام شد.

آلیس، تنها در افکارش و در خاطر هایش، حالا به فقدان و نبودن می اندیشد، به فرصت های از دست رفته، تردیدهایی که نشان داده اند و شهادت های ندانسته ای برای انتخاب، تجربه های زندگی و تنهایی خود خواسته بی آنکه او و ناله های سر دهد، نگاهی به گذشته می کند که حسرتی جانگاز در آن نهفته است؛ حسرتی که درمانی برای بهبود آن نمی یابد.

در داستان پایانی، آلیس را می یابیم در حالی که همسرش نیز مرده است و او با تنهایی گرفتار آمده در آن، دچار انکار شده است، انکار مردن همسر و وانمود کردن به سفر رفتن او، سرانجام مرگ را به عنوان بخشی از زندگی این جهانی می پذیرد و با بخشیدن لباس ها و وسایل همسرش و بخشیدن ماشینی که دیگر به کارش نمی آید و نگهداری اش گران تمام می شود، تنهایی اش را می پذیرد؛ تنهایی ای که همواره همراهش بوده و هر بار خود را به شکلی نشان داده است.

یودیت هرمان، روایتی سراسرت دارد و از زاویه دید دانای کل به «آلیس» و واکنش هایش به مرگ و نیستی نگاه می کند و داستان هایش را بازگو می کند. موج می نویسد و شخصیت «آلیس» را در فراز و نشیب روایت و در واکنش هایش و فضای موقیمت هایی که در آن قرار می گیرد، پیش روی خواننده قرار می دهد. زبان هرمان، زبانی خلاصه گوشت که لحنی آندوهگین و حسرت بار را بر دوش می کشد؛ لحنی که تنهایی، بی همزبانی و خلأ ارتباطی شخصیت داستان را به خوبی نمایان می کند.

توصیف ها، تصویرسازی ها و فضای سازهای داستان را با ترکیب های وصفی و اضافی می سازد و بی آنکه دست به دامن فعلی شود، انگار نقاشی است که با قلم موش، روی بوم ضرب بزند و ردی از رنگ به جا بگذارد.

«آلیس» داستان زندگی نسلی است در ساختاری جهانی شده که می انگارد همه چیز دارد، اما هنگام رسیدن به خط پایان درمی یابد که هیچ ندارد؛ مردها و زن هایی سرگشته و ناتوان از برقراری ارتباط های روزمره اجتماعی که زندگی را میان نومیدی و اشتیاق می گذرانند و چون از جاده زندگی بیرون می روند چیزی از آنها به جانی ماند مگر یک عکس یا خاطره ای گنگ و رنگ باخته در هوای مه آلود زندگی مدرن و ماشینی.

یودیت هرمان از برجسته ترین نویسندگان نسل نو آلمان است؛ نویسنده ای که توانسته اند در میان حدود ۸ هزار عنوان کتاب ادبیات داستانی که سالانه در آلمان منتشر می شود، اندکی بالاتر از دیگران بایستند و به چشم بیایند. بیشتر این نویسندگان در شرق دیوار برلین زاده شده و پرورش یافته اند و با فرو ریختن دیوار، میدان بازی پیش رویشان پدیدار شد که براننده ناخ و تاز ادیبان بود. این نسل تازه سر برآورده، اگرچه در ادبیات فرهیخته و فاخر آلمان ریشه دارند، نگاهشان به ادبیات داستانی آمریکاست و بیشتر شیوه همبستگی و زندگی را در جهان نویسندگان اثر گذشته است.

نویسندگان از راه رسیده این نسل، یاد راهی دیگر گذاشته اند. آنها در کار هایشان از زبانی به روز شده و موجز بهره می برند که از شرح و بسط های ملال آور و بازی های دستوری و زبانی خودداری می کنند؛ زبانی بدون پیچ و خم که ریشه در تجربیات و زندگی روزمره آنها و مردم کشورشان دارد.

ادبیات این نسل، ادبیاتی است چندساختی که در گستره متنوع و گوناگونی از فرم و ساختار و موضوع نمایان می شود. محور اصلی کار آنان، فرد در روابط اجتماعی اوست که دلنگی، بیگانه بودن در جمع، ناتوانی در برقراری ارتباط و سرخوردگی گرداگرد آن رافرا می گیرد و با این حال در نوشته هایشان از کدو کواهای روان شناختی خبری نیست و از وارد شدن به لایه های روانی و داوری های روان شناختی شخصیت های داستان هایشان و روابط آنها پر هیز می کنند. آنها تجربیات خود از زندگی در نیمه کمونیستی آلمان، برلین دیواره و دیوارش، فرو ریختن دیوار و یکبارچه شدن، امیدها و آرزوهای سیاسی-فردی بر بار دفته را با ظرافت کامل وارد ادبیات داستانی آلمان کرده اند و با زبان به روز شده و ساختارها و فرم های متنوعی که به کار گرفته اند، جانی تازه و غنایی بیشتر به زبان آلمانی ارزانی کرده اند؛ به گونه ای که در اندک زمانی شیوه آنها همه گیر شده و همسایه های آلمانی زبان را هم از خود متاثر کرده است.

یودیت هرمان ۴۰ ساله، از برجسته ترین نویسندگان این نسل است که حالا آوازه او از مرزهای کشورش هم فراتر رفته و داستان هایش به ۱۷ زبان ترجمه شده است. نخستین کتابش با عنوان «خانه بیلاقی، بعدا» که در سال ۱۹۹۸ منتشر شد، از سوی منتقدان «صدایی تازه در ادبیات آلمان» خوانده شد.

«آلیس» دومین کاری است که محمود

- آلیس
- نویسنده: یودیت هرمان
- مترجم: محمود حسینی زاد
- نشر: افق
- شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه
- قیمت: ۳۲۰۰ تومان
- ۱۷۶ صفحه

حسینی زاد از یودیت هرمان ترجمه کرده و نشر افق روی پیشخوان کتابفروشی ها فرستاده است. نشر افق پیش از این، گزیده ای از داستان های کوتاه او را با نام «این سوی رودخانه آذر» در سال ۱۳۸۶ منتشر کرده بود؛ مجموعه پنج داستان گزینش شده از کتاب های «خانه بیلاقی، بعدا» و «هیچ جز ارواح».

«آلیس» رمان نیست، مجموعه ای از پنج داستان کوتاه است، با یک شخصیت مشترک. در واقع هرمان پنج بخش از زندگی «آلیس» را جدا کرده و دست خواننده داده است؛ بخش هایی از زندگی که آلیس را با مرگ کسی از بستگان و آشنایانش رودرو کرده، میشا نامزد پیشینش، کنراد دوست خانوادگی گیشان که در ایتالیا زندگی می کند، ریشارد دیگر دوست خانوادگی گیشان، عمویش مائه و سرانجام همسرش را می بیند.

آلیس در این داستان ها هر روز به بیمارستانی می رود یا به خانه ای و کنار تخت بیماری می نشیند که روزها و ساعت های پایانی زندگی اش را شماره می کند و هنوز رشته های باریکی از زندگی با شیلنگ های سرم با او در پیوند است و آمبول هایی که بی حسی را در رگ هایش روان می کند، درد

«آلیس»  
داستان زندگی  
نسلی است  
در ساختاری  
جهانی شده که  
می انگارد همه  
چیز دارد،  
اما هنگام رسیدن  
به خط پایان  
درمی یابد  
که هیچ ندارد؛  
مردها و  
زن هایی  
سرگشته و  
ناتوان از برقراری  
ارتباط که  
زندگی را میان  
نومیدی و اشتیاق  
می گذرانند